



نقش خلاقیت در کارآفرینی و فروش

بخش اول: نقش خلاقیت در تولید ملی و فروش

مهندس علی زارعی کارشناس خلاقیت و کارآفرینی صدا و سیما

یکی از مشکلات سنتی اقتصاد ایران وابستگی به نفت می‌باشد. این اقتصاد نفتی در طی دهه‌های گذشته ما را به خام‌فروشی عادت داده و نوعی تنبلی در افراد ایجاد نموده است، به نحوی که اکثریت افراد جامعه فکر می‌کنند چون ایران کشوری با منابع عظیم نفت، گاز و معادن می‌باشد و از این نظر ثروتمند است، پس با فروش این منابع می‌تواند ثروت زیادی کسب نماید و دیگر نیازی به تولید نیست و با غالب شدن بر این نگرش به جای این که به تولید فکر کنند، به واسطه گری و دلالتی متوسل می‌شوند و بدین شکل انرژی انسانی عظیمی در کشور از بین می‌رود.

در آن طرف قضیه اگر به کشورهای پیشرفته نظری داشته باشیم، مشاهده می‌گردد فقط یک دسته از این کشورها در مقایسه با ایران دارای ذخایر طبیعی بسیار اندک و برخی دیگر دارای ذخایر متوسطی نسبت به ایران هستند، ولی ثروت آن‌ها بسیار بیش تر از ما می‌باشد. خانه‌های کشورهای پیشرفته اروپایی با گاز ایران گرم می‌شود. سوخت اتومبیل و هواپیماهای آن‌ها با نفت ما تأمین می‌گردد و ماده اولیه کارخانجات آن‌ها از ایران به دست می‌آید. این کشورها بابت خرید نفت و گاز و مواد اولیه به ما پول پرداخت می‌کنند، ولی در نهایت ثروت آن‌ها از ما بیش تر است؟

اگر بخواهیم دلیل این مشکل را در یک جمله بیاوریم، می‌توانیم بگوییم "ما عادت به تولید نداریم و در بخشی‌هایی هم که تولید داریم، در تولیدمان خلاقیت نداریم."

یک مثال ساده می‌تواند موضوع را برای ما شفاف تر کند. اگر ما یک شمش آهن به ارزش پنج هزار تومان را با تغییر جزئی به شکل نعل اسب درآورده و بفروشیم ده هزار تومان دریافت می‌کنیم و حال اگر این شمش را به سوزن‌های مخصوص چرخ‌های گلدوزی تبدیل نماییم و همه



سوزن‌ها را بفروشیم، دو میلیون تومان دریافتی خواهیم داشت و اگر همین شمش را به فنرهای ریز ساعت‌های مچی تبدیل کنیم، بین پنجاه تا هفتاد میلیون تومان درآمد کسب می‌گردد. حال تصور کنید اگر قوه خلاقیت خود را به کار اندازیم چند محصول دیگر می‌توانیم از همین شمش آهن بسازیم و با چه قیمتی می‌توانیم آن‌ها را بفروشیم؟ آیا فروش شمش آهن مقرون به صرفه است؟ در حال حاضر ما سالانه بیش از پنج میلیون تن فولاد صادر می‌کنیم که پس از تبدیل این فولاد به کالاهای دیگر نظیر اتومبیل و هواپیما و واگن‌های قطار و... به قیمتی صد تا هزار برابر به ما فروخته می‌شود! البته فروش فولاد در مقایسه با فروش سنگ آهن بسیار بهتر است؛ ولی چرا به فکر سودی هزار برابری نباشیم؟ فروش مواد پتروشیمی به مراتب بهتر از نفت خام است اما اگر همین ماده پتروشیمی به پلاستیک تبدیل شود و با آن پلاستیک کالاهای جذاب و جدیدی تولید شود صدها برابر سود نصیب ما خواهد شد. پس نتیجه می‌گیریم "خام فروشی یک فاجعه بزرگ برای درآمدهای کشور ماست". نکته بعدی این جاست که جهان به سرعت در حال تغییر است و در اثر این تغییرات نیازها و سلیقه‌های مردم با سرعت بالایی تغییر می‌کند و برای این که با این تغییرات همگام شویم، بایستی قدرت خلاقیت مان در تولید بسیار زیاد باشد. به طور مثال ما حدود ده سال قبل خودروی ملی سمند را در کشور تولید کردیم که در زمان خودش از نظر ظاهری بسیار مورد پسند بود ولی بعد از ده سال فقط چندین بار چراغ‌هایش را عوض کردیم و برخی امکانات صوتی و تغییر در سیستم ترمز ایجاد شد و ظاهر کلی این خودرو هیچ تغییری نکرد. از طرف دیگر شاهد بودیم سالی چند بار شکل ظاهری اتومبیل‌های خارجی تغییر کرده و علاقه مردم به خرید اتومبیل‌های خارجی حتی با چندین برابر قیمت

خودروی ملی، افزایش یافته است و دلیلش نیز آن بود که "خلاقیت ما در تولید با تغییرات همگام نبوده است".

مشابه این مثال را در اکثر واحدهای تولیدی کشور شاهد هستیم. واحدهای تولیدی ما اغلب دچار روزمرگی شده‌اند و همین مشکل دیر یا زود آن‌ها را به زیان آوری و تعطیلی خواهد کشاند. شاید بگوئید در موقعیت فعلی رکود اقتصادی بر بازار حاکم است و من می‌پرسم رکود اقتصادی برای چه کسانی؟

چند روز قبل خبری را درباره محصول جدید شرکت اپل مشاهده کردم که در برخی از کشورها مردم حدود ۴۸ ساعت برای خرید آن در صف بوده‌اند! قطعاً تولید کنندگانی که خلاقیت در محصول ندارند، دچار رکود شده‌اند؛ زیرا بازار آن‌ها را شرکت‌های خلاق صاحب شده‌اند. واقعیت این است که: "آینده متعلق به شرکت‌های خلاق و نوآور می‌باشد".

اگر به تاریخ کشورمان نگاهی داشته باشیم، مشاهده می‌کنیم در حال حاضر نسبت به همه دوران یک پله بالاتر هستیم. صنایع مادر نظیر: پتروشیمی، فولاد و... در کشور به خوبی در حال توسعه است و بایستی همه تلاش خود را برای رسیدن به پله بعدی به کار گیریم و با خلاقیت کالاهای جدیدی از این مواد بسازیم. تهدید تحریم نفت را به یک فرصت تاریخی تبدیل کرده و سعی کنیم برخی از عادت‌های اقتصاد نفتی را در کشور تغییر داده و فرهنگ تولید و کارآفرینی را جایگزین نماییم. هم چنین مدیران واحدهای تولیدی بایستی به جذب مشاوران و کارکنان خلاق روی آورده و خلاقیت سازمانی را در همه بخش‌ها حاکم نمایند.

